خبرها

تازه‌های موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

کتاب «حزب ملل اسلامی» مجموعه سخنرانی های ششمین نشست تخصصی موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی است که اخیراً از سوی این موسسه انتشار یافته است. سخنران اول این همایش دکتر کاظم بجنوردی رئیس بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و بنیانگذار حزب ملل اسلامی بود. وی از اهداف اولیه بنیانگذاران این حزب سخن گفت. حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی، روحانی مبارزی که چند دوره نیز نمایندگی مجلس شورای اسلامی را در کارنامه فعالیت خود دارد و از اعضای حزب ملل اسلامی است دومین سخنران این همایش بود و خاطراتی از دوران مبارزه را برای حاضران بیان کرد. سخنران سوم ابوالقاسم سرحدی‌زاده وزیر کار اسبق بود که از عضویتش در حزب ملل اسلامی و نحوه بازداشت و زندان خود خاطراتی را برای حضار بیان نمود. سخنران چهارم این همایش ابراهیم ذوالفقاری از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران بود که براساس اسنادی از ساواک و شهربانی به تشریح زوایایی از فعالیت های حزب یاد شده پرداخت. پس از سخنرانی های رسمی، سخنرانان به سئوالات حاضران در زمینه اهداف اولیه تاسیس این حزب پاسخ دادند. این کتاب در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول مکتوب سخنرانی ها، پرسش و پاسخ و مصاحبه دو تن از اعضای حزب ملل اسلامی بود. بخش دوم «ضمائم» نام گرفته و دارای دو قسمت است. در قسمت اول مقاله‌ای به قلم ذوالفقاری است و تاریخچه مختصری از حزب ملل اسلامی به روایت اسناد نگاشته شده است. در قسمت دوم اسناد مربوط به «برنامه و مواد تنظیمی و شرح مواد تنظیمی» حزب یاد شده است. کتاب حزب ملل اسلامی در ۱۰۰ صفحه، تیراژ هزار نسخه و با قیمت یک هزار تومان در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ احزاب سیاسی ایران قرار گرفته است.

دیگر کتاب جدید موسسه یاد شده «پس پرده هولوکاست» نوشته محمدتقی تقی‌پور است. درباره این افسانه و جعل تاریخ آن، مطالب بسیاری نوشته شده و همانگونه که در این کتاب آمده است، محافل صهیونیستی مسلط بر نظام‌های سیاسی و اداری غرب، هرگونه سئوال و تردید در اصل ادعای خود را برنمی‌تابند، اما واقعیت برای همیشه پنهان نخواهد ماند. این کتاب بر آن است تا در یک نگاه کلی اما دقیق، علمی، مستند، به‌ویژه با استفاده از کتاب‌های محافل صهیونیستی و با بررسی این آثار و استخراج تناقضات درونی آنها، دروغ بودن این ادعا را بیش از پیش بر خوانندگان خود آشکار سازد. نویسنده ابتدا «مبانی نظری و پیشینه تاریخی هولوکاست، دلایل و ریشه‌های انزجار، آنتی‌سیمیتیسم سناریوی قرون اخیر، جنگ جهانی اول و دوم، انکار شاهدان، سکوت و بی‌خبری متفقین و آمار جمعیت یهود» را مورد بحث قرار داده و در بخش پایانی تحت عنوان «کارکردهای هولوکاست» تاسیس اسرائیل، تشدید استبداد صهیونی در غرب، تجهیز اتمی اسرائیل، تاراج و غارت ثروت‌ها، ناگفته‌ها و جنایات پنهان جنگ جهانی دوم، اسرار دادگاه نورنبرگ و قتل عام خاموش را مورد بررسی قرار داده است. کتاب پس پرده هولوکاست در ده هزار نسخه و قیمت ۱۲۰۰ تومان وارد بازار کتاب شده است.

دوازدهمین «فصلنامه» مطالعات تاریخی موسسه یاد شده که در سال‌های اخیر اقدام به انتشار مقالاتی در زمینه رویدادهایی از نهضت مشروطه تا انقلاب اسلامی، رجال، احزاب سیاسی و محافل سیاسی کرده است نیز با موضوعاتی همچون شاه ایران (حسن فراهانی)، نهضت امام خمینی و قیام عشایر جنوب (سیاه‌پور)، دفاعیه (حسین شجاع)، سال‌های سقوط (علی آشتیانی)، دکترین نیکسون و پیامدهای آن در ایران (فراهانی)، نامه‌های منتشر نشده قاسم غنی (گوهریان)، سلماس و دوره مشروطیت (جلیل بخش‌پور) و سندهای بدون شرح در ۲۸۱ صفحه و قیمت دو هزار تومان در اختیار پژوهشگران تاریخ معاصر ایران قرار گرفته است. در ابتدای مقاله «شاه ایران» با مقدمه و تعلیقات حسن فراهانی که البته در سال ۱۹۶۴ میلادی در یک نشریه کانادایی به چاپ رسیده، آمده است: «رولف بنی، عکاس و نقاش کانادایی، همزمان با واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ به دیدار محمدرضا پهلوی می‌رود تا از وی عکاسی کند. تصویرهایی که او از آشفتگی اوضاع تهران، پایتخت پادشاهی ایران ترسیم می‌کند و در برابر دیدگان خوانندگان مجله قرار می‌دهد، گویای نکات ارزشمندی است؛ واهمه شاه و ژنرال‌هایش از آنچه که در شهر در حال وقوع است، میلیتاریسم رو به رشد در ایران، ناتوانی فرهنگ مورد حمایت حکومت در برابر فرهنگ عمومی و به‌ویژه اسلامی، زندگی اشرافی و پرتجمل دربار در برابر فقر و ناداری عمومی و... اما آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی «رولف بنی» که در این مقاله به آنها اشاره می‌کند، مبتنی بر دانش ژورنالیستی اوست که عمدتاً منطبق بر قرائت رسمی دولتمردان وقت حکومت پهلوی است.»

گامی برای نهادینه شدن دموکراسی

درباره دموکراتیک شدن فرهنگ، کتاب تازه ترجمه شده کارل مانهایم

علیرضا جاوید

با وجود اینکه جهان صنعتی، بعد از گذر از استالینیسم و فاشیسم، با هوشیاری کامل، دموکراسی و نتایج حاصل از آن را به چشم خود دید، و ذهنیت تاریخی خود را چنان سامان داد که راه را بر ظهور مجدد توتالیتاریسم و هر نوع ایدئولوژی تمامیت‌خواه بست، هنوز در بخشی از این کره خاکی، هستند مردمان و کشورهایی که زیر چکمه‌های فرد مستبد، تک نای خود را دم و بازدم می‌کنند. اگر در بخشی از جهان توسعه یافته که تمامی وجوه دموکراسی را لمس کرده‌اند، سخن از اصلاح و دموکراتیک کردن دموکراسی است، هنوز برای مردمان جهان سومی چون ویتنام، سوریه، مراکش، نیجریه و ونزوئلا دموکراسی آرمانی دور، اما دست‌یافتنی جلوه می‌کند. در این میان، یک سئوال مهم و اساسی وجود دارد و آن اینکه، چگونه افکار عمومی خواهان دموکراسی شده و از آن حمایت می‌کنند؟ چگونه می‌توان از سیکل رفت و آمد بین فضاهای شبه‌دموکراتیک و استبدادی جلوگیری کرد؟ تامل بر چنین موضوعی بود که در سال ۲۰۰۰ میلادی دانشمندان علوم اجتماعی شش کشور آسیای شرقی (تایوان، کره جنوبی، ژاپن، فیلیپین، تایلند و اندونزی) را واداشت تا به دور هم جمع شوند و در یک طرح تحقیقاتی مشترک و براساس پیمایش مشترک مقایسه‌ای، رویکردها و ارزش‌های توده مردم را نسبت به دموکراسی در آسیای شرقی، سنجش کنند. جدا از نتایج حاصل از این نوع تحقیقات، نکته اصلی بر سر این مهم است که ارزش و اهمیت افکار عمومی نسبت به دموکراسی، چرا و به چه دلیل، تا این درجه حساس و غیرقابل چشم‌پوشی است؟ لاری دیاموند، در مقاله بسیار ارزشمند خود با عنوان «مردم دموکراسی را چگونه می‌بینند؟»، در مقام پاسخ به این سئوال می‌گوید: «بعد اصلی افکار عمومی به دلیل پیامدهایش برای ثبات و تثبیت دموکراسی به مشروعیت یا حمایت از دموکراسی مربوط می‌شود» (گذار به دموکراسی / زیر نظر حسین بشیریه / مقاله: مردم دموکراسی را چگونه می‌بینند؟ لاری دیاموند، ترجمه: منصور انصاری / نشر نگاه معاصر، چاپ اول ۱۳۸۴ / ص ۱۶۶). کتاب (یا به عبارت صحیح‌تر مقاله) «دموکراتیک شدن فرهنگ» که از دو بخش تشکیل شده (بخش اول: برخی مشکلات دموکراسی‌های سیاسی در مرحله رشدیافتگی کامل. بخش دوم: مردم‌سالاری گرایی، همچون یک پدیده عمومی فرهنگی)، از همین زاویه قابل تامل و بررسی است.

حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان، معروف به نازی، در سال ۱۹۱۹ تشکیل شد و سپس در سال ۱۹۳۳ به رهبری هیتلر قدرت را در آلمان به دست گرفت. رأی بالایی که مردم آلمان به هیتلر دادند، بحث و جدل‌های زیادی را درباره توده‌ای شدن قدرت و تولد استبداد از دامان انتخاب توده‌ها برانگیخت. تامل بر چرایی این موضوع و جست‌وجو برای یافتن پاسخی برای آن، اندیشمندان بنامی را متوجه خود کرد. به عنوان نمونه، متفکری چون ارنست کاسیرر، در آخرین اثر خود «اسطوره دولت»، بازگشت توتالیتاریسم را زاده ذهنیت اسطوره‌ای و شکست غرور و آرمان‌های آن می‌داند. مانهایم نیز، وقتی در سال ۱۹۴۱ از شوک ناشی از جابه‌جایی قدرت (از شبه‌دموکراسی به توتالیتاریسم) بیرون آمد، به انگلستان مهاجرت کرد و در آن کشور به دنبال این مهم رفت که چگونه می‌توان دموکراسی سیاسی را به دموکراسی مردمسالار تبدیل کرد؟ او بر این باور بود که در دموکراسی سیاسی، در هر انتخابی خطر سقوط به دامان خودکامگی وجود دارد. برای جلوگیری از این امر، باید دموکراسی سیاسی را جزیی از یک کل والاتر و برتر قلمداد کنیم، کلیتی به نام «فرهنگ دموکرات». برای رسیدن به این مقصود، باید سه اصل بنیادی دموکراسی را هم در معنای محدود سیاسی، و هم در معنای وسیع فرهنگی آن در نظر داشت. این سه اصل از منظر کارل مانهایم عبارتند از: «۱- برابری بالقوه هستی‌شناختی همه اعضای جامعه، ۲- به رسمیت شناختن حیات فردی اجزای جامعه، ۳- وجود نخبگان در جامعه دموکراتیک همراه با روش‌های نوین انتخاب نخبگان» (ص ۲۷) در اصل اول مانهایم در پی آن بود که دیدگاه ایستا و سلسله مراتبی نبوغ و برخورداری از یک استعداد به اصطلاح جادویی و منحصر به فرد را از میان بردارد. «انسان‌های بزرگ، بزرگ‌اند، اما نه به خاطر اینکه جوهر ازلی متفاوتی دارند بلکه بدین سبب که فرصت‌های بهتر و عظیم‌تری برای رشد یافته‌اند.» (ص ۳۰) بنابراین، با نگرش دموکراتیک، آموزش، عمومی و فراگیر شده و هر فردی این توانایی را خواهد داشت که به انسانی بزرگ (همچنین الیت یا نخبه) تبدیل شود، و نگرش اقتدارگرایی که حقیقت را محدود به فرد یا افراد خاصی می‌کند از میان بردارد. در نتیجه، همه در یک سطح برابر (به عنوان مثال اسطوره معلم همه چیزدان و شاگرد جاهل در الگوی مانهایم از میان می‌رود) با هم برخورد می‌کنند. ناگفته پیدا است که در چنین طرحی، زبان نخبه‌ها محدود و محصور به گروه الیت‌ها نمی‌شود.

مدافعین ماندلا در آفریقای جنوبی

دموکراتیک شدن فرهنگ
کارل مانهایم
ترجمه: پرویز اجلالی
نشر نی
چاپ اول ۱۳۸۵
۱۱۰۰ نسخه
۱۴۰۰ تومان

نکته

باید دموکراسی سیاسی را جزیی از یک کل والاتر و برتر قلمداد کنیم، کلیتی به نام «فرهنگ دموکرات».
برای رسیدن به این مقصود، باید سه اصل بنیادی دموکراسی را هم در معنای محدود سیاسی، و هم در معنای وسیع فرهنگی آن در نظر داشت. این سه اصل از منظر کارل مانهایم عبارتند از: «۱- برابری بالقوه هستی شناختی همه اعضای جامعه
۲- به رسمیت شناختن حیات فردی اجزای جامعه
۳- وجود نخبگان در جامعه دموکراتیک همراه با روش‌های نوین انتخاب نخبگان»

در اصل دوم، فرد دارای هویتی مستقل، در اندیشه و معرفت‌شناسی می‌شود. به این معنی که دیگر فرد متناسب با الگوهایی که در جهت حفظ سنت‌های گذشته، و تایید وضعیت موجود هستند، نمی‌اندیشد، بلکه این توانایی را دارد که با آزادی کامل، شعاع دید خود را تا بیکران گسترش دهد. البته در این گستره تفکر، هر کسی می‌تواند با پذیرفتن و احترام به اندیشه دیگری، به طرح مباحث خود پرداخته و با دیگری به گفت‌وگو (در مقابل مونولوگ = تک گویی) بنشیند، عملی که مانهایم آن را «مباحثه اصیل» می‌نامد. چرا که معتقد است در یک مباحثه اصیل «همه شرکت‌کنندگان به طور برابر و مشترک مسئول نتایج مباحثه هستند. این توزیع مساوی مسئولیت‌ها یکی از مشخصات جامعه دموکراتیک است... در این لحظه، فقط هنجارهایی که همه پذیرفته‌اند معتبر است. این هنجارها همواره از پایین مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند و قالب‌های بیانی جدید می‌یابند. بدین شیوه، مسئولیت فردی می‌شود و به عنوان یک قاعده این مسئولیت نه فقط یک فرض ضمنی بلکه عمل آگاهانه را دربر می‌گیرد.» (صص ۴۶-۴۵) مانهایم، دستیابی تمامی مردم به چنین خردی را «مردمسالار شدن ذهن» می‌نامد. چراکه آگاهی فرد چند بعدی می‌شود، ابعادی چون شناخت نسبت به موقعیت خود، شناخت نسبت به جامعه، شناخت نسبت به وجود رقبا و حقوق آنها و شناخت درباره نقاط اشتراک و متضاد.

سرانجام در اصل سوم، فاصله میان نخبه‌ها با توده مردم کم می‌شود. زیرا مانهایم بر این باور است که در یک جامعه دموکراتیک مدرن، نه تنها نخبگان حذف نمی‌شوند، بلکه آنها از دل توده‌ها برخاسته‌اند، به همین جهت، می‌توانند توده‌ها را فهمیده و درک کنند. اهمیت نخبگان در زمان‌های تغییرات سریع فرهنگی، برجستگی بیشتری پیدا می‌کند، چراکه آنها تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی را سریع‌تر درک می‌کنند. آنها با سنجش شرایط جدید و متناسب با تحولات جدید، راه‌ها و الگوهای تازه‌ای را به جامعه پیشنهاد می‌کنند. این راه‌ها برای اینکه از سوی توده‌ها پذیرفته شوند، از طریق گروه‌های واسط در اختیار آنها قرار می‌گیرند. در نتیجه «اگر... پیشاهنگ بتواند دیدگاه‌های جدیدش را ابتدا به گروه‌های میانی و در پایان به توده منتقل کنند، دموکراتیک شدن فرهنگ تبدیل به فرآیند کاهش فاصله میان نخبه و توده می‌شود نه فرآیند گسترش برابری مبتذل.» (ص ۵۴)

این خطر همیشه وجود دارد که نخبگان دموکراتیک نقش خود را از دست بدهند و توده‌ها برجای نخبگان بنشینند. مانهایم با تامل بر چنین شرایطی، رابطه میان نخبگان یک جامعه دموکراتیک مدرن و توده‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱- شیوه‌های گزینش نخبگان از میان توده‌ها: این گزینش در جوامع دموکراتیک پیش مدرن به دو روش رقابت‌آمیز و انحصاری بوده، و در یک جامعه دموکراتیک مدرن، به سه صورت ترفیع بوروکراتیک، رقابت ساماندهی نشده و فشارهای طبقاتی است ۲- ساختار متفاوت نخبه، روابط متقابل آنها و رابطه آنها با جامعه کل ۳- تفسیر و ارزیابی این گروه‌ها از خودشان و قضاوت دیگران در مورد آنها ۴- فاصله اجتماعی میان نخبگان و توده که تابعی است از آگاهی توده‌ها ۵- اندیشه‌های فرهنگی که گروه‌های گوناگون نخبه تولید می‌کنند.

در پایان، و در ارتباط با همراهی افکار عمومی با دموکراسی، نباید این نکته حیاتی را از یاد برد که «اگر دموکراسی قرار باشد در سطوح ارزش‌ها و اعتقادات عمومی تثبیت شود، باید پیشرفت قابل توجهی در کنترل فساد در سیاست و حکومت صورت گیرد و پاسخگویی نسبت به عملکرد حکام بهبود یابد.» (لاری دیاموند، مقاله: مردم دموکراسی را چگونه می‌بینند؟، همان منبع، ص ۱۸۲)

مجموعه مقالات همایش استاد محمدتقی شریعتی

در آستانه صدمین سال تولد استاد محمدتقی شریعتی، جمعی از فرهیختگان و علاقه‌مندان به دین و فرهنگ و تکریم انسان‌های مخلص و دلسوز بر آن شدند تا ضمن برگزاری همایشی یاد و نام او را در خاطره‌ها زنده سازند و جوانان را با یکی از الگوهای دینداری و دین‌باوری آشنا سازند. این ایده را موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی در سال ۱۳۸۳ مطرح کرد و کمیته علمی همایش را با حضور جمعی از دانشگاهیان و حوزویان تشکیل داد. کمیته علمی دو برنامه (نخست انتشار مجموعه آثار استاد، دیگری برگزاری همایش استاد) را در دستور کار قرار داد که هر دو را به سامان رساند. در این بخش تمامی آثار استاد اعم از کتاب، جزوه، مصاحبه و سخنرانی گردآوری شد و در شش موضوع و هشت جلد در دست انتشار قرار گرفت.

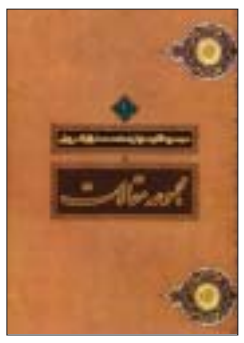

زندگی هشتادساله آن مرد بزرگ با دگرگونی گسترده در عرصه‌های دینی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی کشور همراه بود. مایه‌های علمی و دینی، حضور در زمان، داشتن دغدغه و درد دین، هدایت‌گری انسان، و دیگر حوادث این دوره از او شخصیتی پخته، فهیم و تاثیرگذار ساخت. فعالیت‌های وی را در دوران زندگانی، به جز تحصیل و تهذیب و ساختن شخصیت خویش به چهار بخش «تدریس، ارشاد و هدایت، فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی و تالیف، تحقیق و ترجمه» تقسیم می‌کنند. محمدتقی شریعتی کار تدریس را از معلمی در دبستان به سال ۱۳۰۹ شمسی در سن ۲۳ سالگی آغاز کرد و تا تدریس در دانشگاه آن را ادامه داد. ارشاد و هدایت را از جلسات خانگی و به صورت سیار در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ شروع کرد و با سخنرانی در رادیو مشهد و سپس سخنرانی در حسینیه ارشاد از سال ۴۲ و سخنرانی در مسجد هدایت در سال ۴۵ ادامه داد.

کتاب مجموعه مقالات این همایش با سخن احسان شریعتی آغاز می‌شود که: «نام استاد محمدتقی شریعتی، بیش از هر چیز یادآور تفسیر نوین و کانون نشر حقایق اسلامی (۱۳۲۳) است که در شعار بازگشت به متن بازاندیشی حقیقت دین متولد شد. و این مهم در برش مشخص از تاریخ معاصر کشور ما رخ نمود. در شرایط پس از شهریور ۱۳۲۰ یعنی در میهنی اشغال شده ایمانی رها شده از چنگ استبداد و به صحنه آمدن مارکسیسم». وی همچنین سخن خود را چنین ادامه می‌دهد: «بازگشت به قرآن، بازگرداندن رایحه وحی بود بر بوستان سم زده میهن ما. وزیدن آن نسیم با نیوشیدن آن ندا خود مشروط بود به اندیشیدن این پرسش که چگونه می‌توان بار دیگر صدای سخن وحی را از نو، یعنی هم‌اکنون و هم اینجا بازشنفت؟ طنین آن کلام چگونه به گوش مومنان و منکران برسد؟ استاد شریعتی، قرآن در دست پا به عرصه اجتماع نهاد و نهضت اصلاح دینی را - که راهی میدان مسجد و میخانه بود- پی افکند و راهی میان روشنفکری غیردینی و غیرروشنفکری دین بگشود و خود، چراغ راه شد.»

مجموعه همایش استاد محمدتقی شریعتی در ۳۸۰ صفحه، تیراژ ۱۲۰۰ نسخه و با قیمت ۳۵۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

شورای امنیت سازمان ملل و مسئله خلع سلاح عراق

هدف اصلی کتاب «شورای امنیت سازمان ملل و مسئله خلع سلاح عراق» نوشته کورش احمدی که اخیراً از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی انتشار یافته است بررسی نحوه برخورد شورای امنیت با بحران ناشی از تجاوز عراق به کویت و تلاش بعدی شورا برای خلع سلاح عراق و سازوکار مربوطه است. سئوال اصلی این است که آیا شورای امنیت بعد از رفع تجاوز از کویت توانست در ارتباط با هدف اصلی خود در مرحله بعد، یعنی خلع سلاح عراق، موفق عمل کند یا خیر و برای تحقق این هدف چگونه عمل کرد و از چه ابزاری بهره جست. قبل از ورود به بحث اصلی و نظر به اهمیت ویژگی‌های عراق در کشانده شدن رژیم بعثی به سرکوب در داخل و ماجراجویی در خارج، مقدمه‌ای راجع به بافت اجتماعی و منطقه‌ای و موقعیت ژئوپولتیک عراق و خصوصیات رژیم بعث از نظر برنامه و ایدئولوژی آورده شده و فرض‌هایی در ارتباط با انگیزه‌های بغداد در تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی مطرح شده است. در ارتباط با هدف پژوهش فوق ابتدا به شرح اقداماتی که از سوی شورای امنیت برای اخراج عراق از کویت انجام شد، پرداخته شده است. شرح این اقدامات از آن جهت که عرصه را برای پیشبرد مرحله خلع سلاح آماده کردند و در سراسر این مرحله به قوت خود باقی ماندند، ضروری است. سازوکار جامعی نیز که از سوی شورای امنیت برای اجرای برنامه خلع سلاح عراق تعبیه شد و ارکان فرعی لازم، یعنی آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، که در این رابطه ماموریت یافتند، در این فصل مورد بحث قرار گرفته است. در این فصل همچنین نشان داده شده است که شورای امنیت چگونه و بر چه مبنایی شدیدترین و تهاجمی‌ترین تدابیر را علیه یکی از اعضای سازمان ملل اتخاذ کرده است.

فصل سوم کتاب به نحوه تعامل آنسکام و تیم عملیاتی آژانس با رژیم عراق و نیز کشفیات و دستاوردهای این دو نهاد در ارتباط با سلاح‌های شیمیایی، میکروبی، اتمی و برنامه موشکی عراق تا اخراج بازرسان از آن کشور در دسامبر ۱۹۹۸ اختصاص یافته است. در این فصل مشخص شده است که رژیم صدام‌حسین تا چه حد هولناکی در تجهیز خود به سلاح‌های ممنوعه پیش رفته بود و در واقع چه خطری در دهه‌های ۹۰-۸۰ تمامی منطقه از جمله ایران را تهدید می‌کرد. در فصل چهارم نیز مجموعه تحولاتی که منجر به حمله آمریکا به عراق شد، مورد بحث قرار گرفته است. این فصل با شرحی درباره شکل‌گیری شرایط جدید در داخل آمریکا و در سطح بین‌المللی بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر آغاز شده و با تلاش‌های بوش برای فراهم کردن زمینه بین‌المللی مناسب برای تغییر رژیم در عراق ادامه می‌یابد. در فصل پنجم و در پرتو بررسی‌ها و تحقیقاتی که از سوی آمریکا در ارتباط با وجود یا عدم وجود سلاح‌های کشتارجمعی در عراق در آستانه حمله آمریکا به عراق صورت گرفته، نظری به میزان موفقیت شورای امنیت و بازرسان بین‌المللی در خلع سلاح عراق در دهه ۱۹۹۰ افکنده شده و نیز تلاش شده تا به سئوالات موجود در مورد نحوه برخورد رژیم صدام‌حسین با بحرانی که زندگی خود و خانواده‌اش و نیز موجودیت رژیم‌اش را تهدید می‌کرد، پاسخ داده شود.

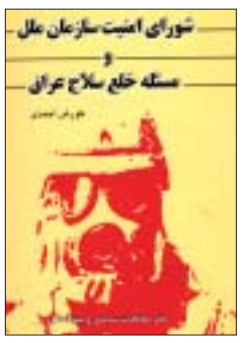

یادداشت

برخورد تمدن‌های بودایی و اسلامی

در تکاپوی تمدن جهانی
دایساکو ایکدو،
مجید تهرانیان
ترجمه: شفق سعد
انتشارات: قطره
تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
قیمت: ۲۸۰۰ تومان

محمود فاضلی: دایساکو ایکدو یکی از نویسندگان کتاب «در تکاپوی تمدن جهانی» در رابطه با کتابش معتقد است در گفت‌وگوهای وی با دکتر تهرانیان، طرفین خاستگاه‌های دین بودا و محمد(ص) را بررسی کرده و هدف آنها از این جست‌وجو آن بوده است که چگونه می‌توان بار دیگر سرشت اصلی این دو دین را از نو بیدار کرد. در این کنکاش، ما هم تشابهات و هم تفاوت‌های این دو دین را بررسی کرده و به این باور رسیدیم که تنها از راه بازآفرینی جوهر مشترک ادیان می‌توان به جهانی خردمند، انسان‌دوست و صلح‌آمیز دست یافت.

از دیدگاه وی سال ۲۰۰۱ از جانب سازمان ملل سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نامیده شد. اگر تاریخ بشر را مطالعه کنیم درمی‌یابیم که برخورد و آمیزش تمدن‌های گوناگون در بسیاری از موارد موجب ایجاد ارزش‌های نوین و ارزنده شده است. در شرایط کنونی جهان که اقتصاد به سوی جهانی شدن پیش می‌رود انسان‌ها احساس می‌کنند که اساس زندگانی خود را از دست داده‌اند و ناچار هستند به درون خود و جست‌وجوی هویت خود روی آورند. در نتیجه برخوردهای فرهنگی ما را نگران جنگ تمدن‌ها کرده است. پیشرفت‌های فنی مانند اینترنت و انقلاب ارتباطی دریچه‌های نوینی را برای ارتباط انسانی گشوده‌اند. ولی این دریچه‌ها احساسات و اندیشه‌های انسانی را به یکدیگر نزدیک نکرده و این گشایش‌ها به تفاهم و اطمینان بیشتر نینجامیده است. در بسیاری موارد داده‌ها و پیام‌های رسانه‌ها بی‌روح و کسالت‌آورند. شکاف عمیق در دسترسی به اینترنت نیز دردی به دیگر دردهای تمدنی افزوده است.

مجید تهرانیان دیگر نویسنده کتاب در پیشگفتار کتاب اعلام می‌دارد: «هنگامی که در سال ۱۳۷۱ من آقای دایساکو ایکدو را در آغاز سفرم در راه ابریشم ملاقات کردم، در او یک سقراط را دیدم که به صحبت و گفت‌وگو اعتقاد عمیق داشت. وی هم از نظر فکری و هم از نظر جسمی فردی چابک بود. مرا پیش از آن که ملاقات کند می‌شناخت. از نگاه او گفت‌وگو یک روش، در میان روش‌های دیگر ارتباط و حل و فصل اختلافات انسان‌ها است و بر اساس اعمال زور یا مسالمت، این روش‌ها را می‌توان به شکل‌های «جنگ و خشونت، فرمان‌های نظامی و استبدادی، دستورات اداری، دعوای حقوقی، میانجیگری، چانه زدن مستقیم و گفت‌وگوی آموزشی و دوستانه» طبقه‌بندی کرد. روابط دوستانه همیشه باید همراه با احترام و برابری متقابل باشد. تنها از راه گفت‌وگوی دوستانه می‌توان تمدن جهانی را بر پایه مشارکت و معاضدت تمام تمدن‌های پیشین ساخت.»

اما جهان در آستانه سده بیست و یک میلادی در مرحله حساسی قرار گرفته است. گسترش ارتباطات جهانی، تمدن‌های گوناگون را مستقیماً از راه کتاب، مطبوعات، رادیو، تلویزیون و اینترنت در تماس با یکدیگر قرار داده است. اما این تماس‌ها لزوماً منتج به تفاهم بین‌المللی بیشتر نشده است. چه‌بسا تخیلات شاعرانه گذشته غرب نسبت به شرق و شرق نسبت به غرب جای خود را به ترس و تنفر داده است. غرب خود را متمدن و پیشرفته می‌پندارد و به شرق با دید تحقیر نگاه می‌کند و شرق، غرب را مادی، حریص و گستاخ می‌شمرد. در این شرایط ترور جهانی جایگزین گفت‌وگوی جهانی شده است. اما از سوی دیگر مادی‌گرایی غرب اکنون دامن‌گیر شرق شده و روحانیت شرق در غرب رخنه کرده است. به این ترتیب یک تمدن جهانی در حال تکوین است.

کتاب حاصل هشت سال گفت‌وگو و مکاتبه است. نویسندگان کتاب از دو پیشینه فرهنگی کاملاً متفاوت به هم رسیده‌اند. ولی پیام آنان مشابه است. این جریانی است که قرن‌ها در راه ابریشم تاریخ به ثمر رسیده بود. برخورد تمدن‌ها و ادیان زردشتی، هندو، یونانی، بودایی، کلیمی، مسیحی و اسلامی در این راه در اندیشه‌های عالی عرفان اسلامی تبلور یافت. در چهل سال گذشته ایکدو بیش از ۱۵۰۰ گفت‌وگو را با رهبران جهانی تهیه و منتشر کرده است. طرف‌های صحبت او برخی از مشاهیر جهان از جمله گورباچف، کیسینجر، آرنولد توینبی و ماندلا بوده‌اند. این گفت‌وگوها ثروت معنوی دنیا را به خوانندگان خود عرضه داشته و در ضمن پایه‌های صلح جهانی را در عالم اندیشه پی‌ریزی کرده است.

محتوای گفت‌وگوی حاضر معانی کتاب را دربر می‌گیرد. چون هر دو نویسنده از فرهنگ‌های توانمند و سنتی برخاسته‌اند، جهان‌بینی آنان ترکیبی از سنت‌های متمدن قدیم و علم و تکنولوژی جدید است. فصل نخست به اهمیت گفت‌وگو برای ادامه نسل بشر در سده بیست و یکم می‌پردازد. فصل‌های دوم و سوم به معرفی جهان‌بینی و تاریخ بودایی و اسلامی اختصاص یافته است و برخورد این دو دین را طی تاریخ بررسی می‌کند. این برخورد در شکل‌بندی عرفان اسلامی اثرات عمیقی داشت. عرفان از تمام سنت‌های متمدن گذشته (ایرانی، یونانی، عرب، هندی و چینی) مایه گرفته است. فصل سوم به نقش گفت‌وگو در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، سیاسی و بین‌المللی می‌پردازد. دو فصل آخر کتاب نقش گفت‌وگو را در جهانی پر از تنش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. نویسندگان کتاب امیدوارند این گفت‌وگو به جست‌وجو در کشف حقیقت و شناخت بهتر جهان کنونی کمک کند و یا این که کتاب به ایجاد تفاهم بین‌المللی در این عصر جهانی شدن ولی پر از وحشت و خشونت نیز کمکی کرده باشد.